

سناریوهای پیش‌روی سوریه

بشار اسد دیروز با انتشار بیانیه‌ای در مورد خروج خود از سوریه توضیحاتی را ارائه داد و تلاش کرد تا حدی دلخوری طرفدارانش را که از عملکرد او نگران هستند، جبران کند. این بیانیه در حالی صادر شد که زمان زیادی از حمله برق‌آسای گروه‌های مخالف در سوریه و سقوط نظام اسد نمی‌گذرد. اما سؤال این است که چرا حکومت خاندان اسد با چنین حمله‌ای به پایان کار خود رسید درحالی‌که در اوج جنگ داخلی سوریه، چنین اتفاقی نیفتاد؟

نگاهی به آنچه که گذشت، نشان می‌دهد سه عامل در این رابطه مطرح است:

نخست این‌که اراده‌ای منطقه‌ای و بین‌المللی و چه‌بسا معامله‌ای برای تغییر در سوریه و برچیدن این حکومت از سوی برخی از کشورهای عربی، رژیم صهیونیستی و آمریکا شکل گرفت.

عامل دوم این‌که نظام سوریه از داخل پوسیده بود، تنها ظاهر و پوسته‌ای از آن باقی مانده بود و اسد نتوانسته بود که حمایت داخلی از خود را به‌خوبی گسترش دهد.

عامل سوم این‌که مخالفان و طیف‌های مختلف آن با اتحاد و لو موقت، قدرت قابل‌توجهی پیدا کردند که با همراهی دو عامل اول، توانستند کار را تمام کنند.

پایان نظام اسد در دو سطح داخلی و منطقه‌ای، واجد معانی تغییر و تحول است؛ اما در سطح داخلی باید دید که آیا سقوط آن سرنوشتی متفاوت را برای ملت سوریه رقم می‌زند؟

فعلا برای قضاوت زود است، کشوری که بیش از یک دهه درگیر جنگ داخلی بوده، گروه‌های متنفذ مسلحی در آن ظهور کرده و جامعه به نوعی نظامی‌زده شده است، بعید است که به این زودی رنگ آزادی واقعی و دموکراسی به‌خود ببیند. معارضان سوری که به هرشکلی دشمن مشترک خود را از مسیر برداشته‌اند، چه‌بسا در مسیر پایه‌گذاری نظام جدید دچار تشقت شوند و دست به اسلحه علیه یکدیگر ببرند اما در سطح منطقه‌ای نیز سقوط نظام سوریه در جبهه‌بندی‌های منطقه‌ای له یا علیه بازیگران مطرح، تاثیر خاص خود را برجای خواهد گذاشت. فعلا که پیروزی مخالفان در سوریه ترکیه را در صدر بازیگران بازی‌ساز در این کشور نشاند و همین هم وزنه ژئوپلیتیک ترکیه را سنگین‌تر می‌کند؛ کما این‌که برگ برنده مهمی به دست اردوغان و حزب حاکم در مناسبات داخلی قدرت در مقابل مخالفان می‌دهد؛ به‌ویژه که موقعیت آک‌پارتی و اردوغان در سال‌های اخیر سست شده بود که در انتخابات اخیر شهرداری‌ها انعکاس یافت. یکی از دلایل مهم افت شدید آرای حزب حاکم ترکیه، پیامدهای بحران سوریه از جمله مسأله آوارگان بود؛ اما حالا بازگشت این آوارگان و «فعلا» تبدیل شدن ترکیه به مهم‌ترین بازیگر سپهر سیاست کشور عرب همسایه، می‌تواند جایگاه اردوغان و حزیش را بهبود بخشد.

پیروزی اسلامگرایان با طیف‌های مختلف سلفی و اخوانی آن، می‌تواند دوباره جان تازه‌ای به این جریان در سطح منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پس از شکست‌های پیاپی با انقلاب‌های معکوس بدهد اما دوام آوردن این جان گرفتن، بستگی به میزان موفقیت و شکست همتای سوری آنها در ترسیم سوریه پسااسد دارد.

درگیری داخلی میان گروه‌های مسلح و تبدیل شدن سوریه به لیبی یا سودانی دیگر نیز می‌تواند وضعیتی فرسایشی و بحرانی برای جریان اسلام‌گرای سنی رقم زند، به‌طوری‌که رفته‌رفته از تاثیرات منطقه‌ای تغییر در سوریه بر آنها بکاهد و سوریه به ایستگاهی برای جهش دوباره آنها تبدیل نشود.

در کل، تحولات داخلی سوریه امتداد منطقه‌ای قابل‌توجهی می‌تواند داشته باشد و باید دید که تغییر در سوریه چه تاثیری می‌تواند بر سیاست داخلی و خارجی کشورها در منطقه بگذارد.

در نهایت می‌توان گفت که تغییرات در توازن منطقه‌ای و نقش بازیگران جدید، شرایط سوریه را آنچنان مبهم کرده که باید منتظر گذشت زمان بود تا بتوان تحلیل دقیق‌تری درباره آینده سوریه داد.

خبر

صدراعظم آلمان رأی اعتماد نگرفت

صدراعظم آلمان از مجلس این کشور رأی اعتماد نگرفت تا این کشور آماده برگزاری انتخابات زودهنگام در ماه فوریه شود.

این ششمین بار در تاریخ آلمان است که چنین جلسه‌ای برگزار شده و چهارمین بار است که رئیس این کشور موفق به کسب رأی اعتماد از پارلمان نمی‌شود.

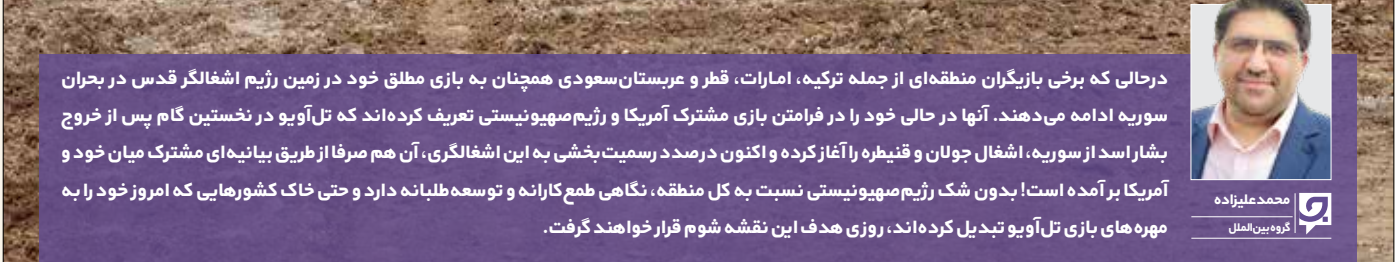
خبر

منابع رسانه‌ای صهیونیستی دیروز از حمله موشکی یمن به مرکز سرزمین‌های اشغالی خبر دادند. شبکه ۱۴ رژیم صهیونیستی در این باره گزارش داد که آذیرهای خطر در تل آویو و ده‌ها شهرک اطراف آن به‌صدا درآمد است. در همین راستا، ارتش رژیم صهیونیستی نیز مدعی رهگیری یک موشک پرتاب شده از یمن شد. رسانه‌های صهیونیستی همچنین از تعطیلی فرودگاه بن گوربون تل آویو در پی این

حمله موشکی یمن به سرزمین‌های اشغالی

نقشه شوم رژیم صهیونیستی، بازیگران منطقه‌ای همراه تل آویو را نیز در برخواهد گرفت

اشغال منطقه با اسم رمز جولان



اسد توسط معارضان مسلح می‌گذرد. بنیامین نتانیاهو فروپاشی توافق «انفصال» سوریه و اسرائیل در سال ۱۹۷۴ در منطقه جولان را اعلام کرد. متعاقبا، نتانیاهو دستور داد منطقه حائل در جولان اشغالی تحت کنترل درآید. اسرائیل پس از سقوط دولت سوریه، تاکنون صدها حمله هوایی به زیرساخت‌ها و تجهیزات نظامی سوریه انجام داده و طبق گزارش‌ها چندین منطقه در غرب این کشور و حومه دمشق را اشغال کرده است. صورت مسأله مشخص است: این الگو می‌تواند در قبال دیگر کشورهای منطقه نیز اجرا شود؛ از اردن و عربستان سعودی تا امارات و ترکیه. یعنی کشورهایی که با مشارکت پنهان و آشکار در برکناری حکومت مرکزی در سوریه، بحران تمام‌عیاری را در این کشور عربی و

حمله موشکی خبر دادند. بر پایه این گزارش، صدای چند انفجار شدید نیز در قدس اشغالی و بیت لحم شنیده شده است. بر این اساس، یک منبع نظامی صهیونیست به رادیو ارتش رژیم اشغالگر اعلام کرد که تل آویو آماده وارد کردن ضربات سنگین به ارتش یمن طی ماه‌های گذشته در حمایت از مقاومت ملت فلسطین در نوار غزه و در چهارچوب عملیات طوفان الاقصی چند کشتی صهیونیستی یا کشتی‌های عازم

منطقه‌ای کلید زده و فراتر از آن، طمع اشغالگری نامشروع صهیونیست‌ها را در قبال کل منطقه، از جمله کشورهای خود برانگیخته‌اند.

آنچه بازیگران منطقه‌ای دریافته‌اند!

به نظر می‌رسد یکی از اصلی‌ترین باشنه آشیل‌های امنیتی و ژئوپلیتیک در منطقه، عدم درک بازیگران و دولت‌های منطقه‌ای نسبت به بازی پیچیده و خطرناک دشمن است. در سال ۲۰۰۶ میلادی، جو بایدن، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا، نقشه‌راه خطرناکی تحت عنوان فدرالیزه‌کردن عراق براساس مؤلفه‌های قومیتی و مذهبی را ارائه کرد. فرجام طرح جو بایدن، تجزیه عراق یکپارچه به سه کشور

سرزمین‌های اشغالی را در دریای سرخ و تنگه باب‌المندب هدف قرار داد. ارتش یمن همچنین طی این مدت چندین حمله موشکی و پهپادی موفق به اراضی اشغالی و به‌ویژه تل آویوانیجام داده‌است. نیروهای ارتش یمن متعهد شده‌اند تا زمانی که رژیم صهیونیستی حملات خود را به غزه متوقف نکند، حملات به کشتی‌های این رژیم یا کشتی‌های عازم سرزمین‌های اشغالی را در دریای سرخ ادامه خواهند داد.



عراق سنی‌نشین، عراق شیعه‌نشین و عراق کردنشین بوده است. این طرح در ادامه مسیر سیاست خارجی و منطقه‌ای آمریکا به یک نقشه‌راه کلان در قبال سایر کشورهای مسلمان تبدیل شده است. این قاعده کلان درخصوص سوریه نیز صادق است. تجزیه سوریه، هدفی است که منابع امنیتی و رسانه‌ای غرب امروزه آشکارا از آن پرده برداشته‌اند. در این میان، روایتگری بسیار ناقص و مخدوش رسانه‌های غربی و صهیونیستی، نوعی نشانی انحرافی و نادرست در راستای تمرکززدایی از هدف اصلی دشمنان محسوب می‌شود. ماجرای که امروز در جولان رخ می‌دهد، نقطه آشکارساز نقشه تجزیه منطقه از سوی واشنگتن و تل آویو محسوب می‌شود.

کارگردانی در آن سوی آتلانتیک

کارگردان سناریوی تجزیه منطقه، آمریکااست؛ بازیگری که از آن سوی آتلانتیک مشغول هدایت و مدیریت تحرکاتی شوم در سوریه است. اشغال جولان نیز با چراغ سبز تل آویو صورت گرفته است اما در این معادله، گزاره پنهانی وجود دارد که نه معطوف به توصیف و تحلیل وقایع کنونی، بلکه مربوط به آینده‌پژوهی تحولات سوریه و منطقه است. استراتژیست‌های آمریکایی در برهه کنونی نسبت به تحولات آتی سوریه با نگاهی تردیدآمیزی می‌نگرند. آنها آینده حوزه شامات را برپرسک و غیرقابل اطمینان تلقی می‌کنند، زیرا برخی مهره‌هایی که آمریکا با حمایت پنهان و آشکار از آنها، فروپاشی حکومت سوریه را کلید زده‌اند، قابلیت سربیشی از مصدر و فرمانده اصلی خود در آن سوی آتلانتیک را داشته و دارند. به قول برخی رسانه‌های غربی، نگرانی استراتژیست‌ها و تصمیم‌سازان حوزه سیاست خارجی آمریکا در برهه کنونی، معطوف به خلأ و فضایی است که احتمال دارد به جای تعادلی نامطلوب، اما نسبتاً تثبیت‌شده نیروها با چیزی پر شود که آمریکا آن را حتی بدتر می‌داند: تصرف توسط شورشیان فرمانبردار کنونی که در آینده تبدیل به مهره‌های نافرمان می‌شوند.

واشنگتن بحران کنونی را با همراهی مطلق رژیم اشغالگر قدس خلق کرده، اما قدرت پیش‌بینی این بازی خطرناک را از دست داده است. این همان خطای راهبردی و عمیقی است که واشنگتن در روند خلق و تثبیت موقعیت القاعده در افغانستان و شبه‌قاره هند نیز با آن مواجه شد. جایی که زبگنیو برژینسکی، مشاور امنیت ملی اسبق آمریکا خلق القاعده توسط واشنگتن، آن هم بدون قدرت مدیریت آن، بزرگ‌ترین خطای کشورش در آن سوی مرزها دانسته بود.

یادداشت

محمد صادق کوشکی | کارشناس مسائل سیاسی

بیانیه‌ای برای تسکین خاطر

بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه در زمان حکومت خود پایگاه محدود اجتماعی در این کشور داشت و تا به امروز پایگاه محبوبیت او حفظ شده است. اما این پایگاه محدود به نوعی از سقوط دمشق و فرار بشار اسد به روسیه بهمت‌زده شده و احساس منفی و نامطلوبی دارد. از این رو بشار اسد بیانیه‌ای صادر کرده است که می‌خواست به‌وسیله آن توضیح دهد که خروج او از سوریه برنامه‌ریزی شده نبوده و به‌عنوان رهبر تا آخرین لحظه در کنار مردم خود بوده است. رئیس‌جمهور سابق سوریه در این بیانیه تاکید کرده است که مبارزه با تروریسم و دفاع از کشو راولویت اصلی او بوده و هرگز به متحدان خود در محور مقاومت خیانت نکرده‌است.

درحقیقت، این بیانیه به نوعی تلاشی برای حفظ وجهه و اعتبار بشار اسد در میان حامیان داخلی و خارجی‌اش به‌شمار می‌رود و حرکتی برای تیرئه او و خانواده‌اش از اتهام فرار است.

اما درباره این‌که چرا در این زمان بیانیه مذکور منتشر شده است، باید گفت که پایگاه اجتماعی

بمباران و تهدیدهای مکرر نفوذ تروریست‌ها به پایتخت در طول ۱۴ سال جنگ، مقاومت کرد. اودر این بیانیه افزوده است: علاوه بر این، کسی که هرگز مقاومت فلسطین و لبنان را رها نکرده و به متحدانی که در کنار او ایستاده بودند خیانت نکرده است،

نمی‌تواند مردم خود را رها کرده یا به ارتش و ملتی که به آن تعلق دارد، خیانت کند. من هرگز به دنبال جایگاه برای منافع شخصی نبوده‌ام، بلکه همواره خود را حافظ یک پروژه ملی دانسته‌ام، پروژه‌ای که مردم سوریه به چشم‌انداز آن ایمان و باور داشتند. من به اراده و توانایی آنها (ملت روسیه) برای حفاظت از دولت، دفاع از نهادهای آن و حمایت از انتخاب‌هایشان تا آخرین لحظه اعتقادی راسخ داشتم‌ام.

خبر

نگاهی به بیانیه منتسب به بشار ارسد

برای خروج از دمشق برنامه‌ریزی نکردم

نجات کشورش برای منافع شخصی خودداری کرد و حاضر نشد مردمش را در برابر پیشنهادهای و تطمیع‌های متعدد به خطر بیندازد. کسی است که تنها چند متر دوتر از تروریست‌ها در خطرناک‌ترین و شدیدترین میدان‌های نبرد، در کنار افسران و سربازان ارتش در خطوط مقدم ایستاد. او همان کسی است که در تاریک‌ترین سال‌های جنگ، کشور را ترک نکرد، بلکه همراه با خانواده‌اش در کنار مردمش ماند و در برابر تروریسم در شرایط

با وخامت اوضاع میدانی، مسکو درخواست تخلیه فوری از پایگاه نظامی روسی را مطرح کرد و عملیات خروج از سوریه در شب ۸ دسامبر، یعنی فردای سقوط دمشق انجام شد. در هیچ مرحله‌ای از این وقایع به استعفا یا پناهنده‌شدن فکر نکردم و چنین پیشنهادی نیز از سوی هیچ فرد یا گروهی ارائه نشد. تنها اقدام ممکن، ادامه مبارزه با تهاجم تروریست‌ها بود. من تأکید می‌کنم آن فردی که از نخستین روز جنگ، از معامله بر سر